تماشاخانه

درباره تئاتر مولوی

ناصر حبیبیان

مقرر شده است از این پس هر هفته یک ستون درباره یکی از تماشاخانه‌های تهران مطلبی نوشته شود. نخستین افتتاح این ستون با لرزیدن ستونی دیگر مصادف شد؛ ستون تئاتر دانشگاهی، که اگرچه هنوز از پلمب تئاتر پارس التیام نیافته بودیم چند روزی است همچنان دل به رفع مشکلات تئاتر مولوی بسته‌ایم. مطالب این ستون که حاصل پژوهش اینجانب و همکار محترم سرکار خانم محیا آقاحسینی و قلیلی از دوستان است در کتاب «تماشاخانه‌های تهران از ۱۲۴۷ تا ۱۳۸۹ هجری شمسی» تا چند ماه آینده از سوی انتشارات افراز منتشر خواهد شد.

تماشاخانه دارالفنون به عنوان نخستین تالار تئاتر دولتی ایران در فضای آکادمیک و چسبیده به کاخ شاه به سال ۱۲۵۷ هجری شمسی با دستور ناصرالدین‌شاه و اهتمام «علی‌اکبرخان مزین‌الدوله نقاش‌باشی» تاسیس شد. اما نخستین اجراهای دانشجویی در تالار اجتماعات دانشسرای عالی واقع در باغ نگارستان، پشت وزارت ارشاد فعلی، در سال ۱۳۱۳ به روی صحنه رفتند. گردش روزگار چنان شد تا مهدی فروغ بازیگر «موسی و شبان» در یکی از آن اجراها روی صحنه تالار دانشسرا مفتخر به دریافت کمک‌خرج تحصیل و اعزام به «مدرسه عالی هنر نمایش لندن» شود. او پس از بازگشت با تلاش فراوان سرانجام در سال ۱۳۴۳ شمسی نخستین دانشکده تئاتری در ایران را به نام دانشکده هنرهای دراماتیک بنیان نهاد. دو سال پس از آن نیز دانشکده هنرهای زیبا از طریق آزمون ورودی نخستین دانشجویان تئاتر دانشگاه تهران را پذیرفت. سپس در سال ۱۳۴۷ اداره فعالیت‌های فوق‌برنامه دانشگاه تهران شکل گرفت و سرپرستی آن را تا سال ۱۳۵۷ پری صابری بر عهده گرفت. تالار مولوی محل پیشین یکی از انبارهای مخروبه دانشگاه بود که با کوشش‌های پری صابری ساخته شد و با اجرای نمایش «وهم» نوشته فدریکو گارسیا لورکا به کارگردانی ارژنگ فرخ‌پیکر افتتاح شد و فعالیت رسمی آن با نمایش «ملاقات بانوی سالخورده» نوشته فردریک دورنمات به کارگردانی حمید سمندریان در دی‌ماه ۱۳۵۱ هجری شمسی آغاز شد. این تالار پس از کارگاه نمایش (تاسیس در سال ۴۸ از سوی رادیو تلویزیون ملی ایران) و خانه نمایش (در سال ۱۳۵۰ از سوی وزارت فرهنگ و هنر)، سومین و در عین حال مجهزترین تالار کارگاهی تئاتر در ایران تا به امروز است که به صورت صحنه آزاد ساخته شده است. امور آن زیر نظر اداره فعالیت‌های فوق برنامه دانشگاه تهران بود اما در سال ۱۳۵۹

به دلیل تحولات انقلاب فرهنگی تعطیل شد. این تعطیلی تا سه سال ادامه داشت و در سال ۱۳۶۲ با بازگشایی دانشگاه‌ها فعالیت آن از سر گرفته شد. از سال ۱۳۶۴ تاکنون اداره آن به جهاد دانشگاهی واحد تهران واگذار شده است که در همان سال هم به علت تغییر مدیریت، مدت کوتاهی تعطیل شد. همچنین در سال ۱۳۸۲ به خاطر بازسازی و تعمیرات مدت چهارماه تعطیل بود که در این فرصت یک تالار دیگر هم به نام «تالار کوچک» در این مجموعه ساخته شد. در چهارم دی‌ماه ۱۳۸۲، نام تالار مولوی به «تئاتر مولوی» تغییر داده شد. مدیران تالار مولوی از آغاز تا امروز عبارتند از: پری صابری، علیرضا سمیع‌آذر، علی نوروزی‌طلب، تاج‌بخش فنائیان، سعید کشن‌فلاح، محمد مختاری و در این چند سال اخیر نیز توسط مهدی مکاری اداره می‌شود. یاران پرسابقه این تالار کریم جوانشیر، حجت علیخانی و رضازاده هستند که آقای علیخانی پایان‌نامه کارشناسی قابلی با عنوان «۲۵ سال فعالیت تئاتر دانشگاهی تالار مولوی» تا سال ۱۳۷۵ به دانشگاه تهران ارائه داده است.

با آنکه تئاتر مولوی طی این سال‌ها تمام و کمال مختص اجراهای دانشجویی نبوده و دانشجویان چندان نقشی در سیاستگذاری اجراهای آن نداشته‌اند اما همچنان به دلیل موقعیت جغرافیایی آن در بر دانشگاه تهران و خیابان ۱۶ آذر و عمده تماشاگران دانشجو و اجراهای کماکان دانشجویی، به عنوان معتبرترین تالار تئاتر دانشجویی کشور شناخته می‌شود. عمده‌ترین سالن اجرای ۱۳ دوره جشنواره بین‌المللی تئاتر دانشگاهی ایران تاکنون و محل دبیرخانه دائمی برگزاری ۱۵ دوره جشنواره تئاتر دانشجویان کشور تا سال ۱۳۸۳ تالار مولوی بوده است که همواره پرشمارترین تماشاگران این جشنواره‌ها نیز در سالن‌های آن جای گرفته‌اند. وسعت فراوان تالار اصلی در ابعاد ۱۷ متر و ۸۰ در ۲۳ متر و ۵۰ سانتی‌متر با ارتفاع مفید سه متر و سکوهای گردان برای نشستن بیش از ۱۷۰ تماشاگر به کارگردان انتخاب‌های بسیاری برای چینش میزانسن‌های فراموش‌ناشدنی و استثنایی می‌بخشد. قابلیت کنترل دیجیتالی و آنالوگ خطوط دیمر نور و کنترل میکسر صدا و ملحقات آن و صفحات گوبو برای جلوه‌های نوری و پروژکتورهای فرزنل، وایذ، تله و فالواسپات (تعقیب‌کننده) تنها بخشی از امکانات عمده آن است. اجراهای این تالار تاکنون اغلب از طریق سفارش مرکز هنرهای نمایشی یا نهادهای دانشگاهی با نظارت گروه بازبین و ارزشیابی مرکز هنرهای نمایشی تامین شده است.

نگاهی به مهم‌ترین رویدادهای تئاتر در خردادماه ۸۹

بهاری از جنس تراژدی

ندا طیبی

روزهای آرام بهار برای تئاتر ایران چندان هم آرام و رخوت‌انگیز نبود که تئاتر در این روزها تجربیات گوناگونی را از سر گذراند. اجرای قوانین جدید شورای نظارت و ارزشیابی، تغییر سیستم پرداخت یارانه به تئاتر، پذیرش استعفای محمد حیدری از مدیریت تئاتر شهر، حذف رشته تئاتر از تنها هنرستان دولتی تهران و... از جمله رویدادهایی بود که در آخرین ماه بهار، خواب بهاری تئاتر را برآشفت.

تنها خبر خوش شاه‌آبادی

سرانجام پس از مدت‌ها انتظار حمید شاه‌آبادی معاون نسبتاً جدید امور هنری با برپایی یک نشست خبری به رویارویی با نمایندگان رسانه‌ها تن داد. از آنجا که این نشست با حضور خبرنگاران هر سه حوزه تئاتر، موسیقی و تجسمی برگزار شد، سهم هر خبرنگار تنها یک پرسش بود و بس و شاه‌آبادی هم به خوبی نشان داد که در پاسخگویی هیچ تفاوتی با دیگر مدیران ندارد.

معاون هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در این نشست خبرهای فراوانی برای اهالی تئاتر داشت. مردی که مدتی است بر صندلی محمدحسین ایمانی‌خوشخو تکیه زده عنوان کرد شیوه پیشین پرداخت یارانه به تئاتر را نمی‌پسندد چرا که به اعتقاد او باید شیوه پرداخت مستقیم یارانه به گروه‌های نمایشی تغییر کند. او البته تاکید کرد قرار نیست قیمت بلیت تئاترها گران شود اما به هر حال تماشاگران باید بدانند قیمت واقعی بلیت نمایشی که به تماشای آن رفته‌اند، ۳۰ هزار تومان است که دولت ۲۰ هزار تومان آن را به صورت یارانه می‌پردازد؛ شیوه‌ای که به گفته محمد یعقوبی یادآور قبض‌های آب و برق است و این نگرانی را به همراه دارد که ممکن است روزی دولت تصمیم بگیرد این یارانه را نپردازد.

اما ماجرا تنها به این خلاصه نشد معاون هنری با تاکید بر حمایت کاملش از ممیزی این حمایت را برای صیانت تئاتر لازم و ضروری دانست. شاه‌آبادی که در دیدارهایش با تئاتری‌ها دریافته بود یکی از خواسته‌های هنرمندان این رشته حمایت از گروه‌های تئاتری است، گفت در نظر دارد شرایط را برای استقرار گروه‌های حرفه‌ای و نیمه‌حرفه‌ای در سالن‌های غیررسمی کشور فراهم کند اما این مدیر هنری هیچ تعریفی از گروه‌های حرفه‌ای و نیمه‌حرفه‌ای و سالن‌های غیررسمی ارائه نکرد و پرسش خبرنگاران را بی‌پاسخ گذاشت. او در این نشست بار دیگر بر ضرورت شکل‌گیری تئاتر بومی و نگارش نمایشنامه‌های وطنی تاکید کرد اما در عین حال این موضوع را هم تایید کرد که نمایشنامه‌های ایرانی با دقت و وسواس بیشتری بازخوانی می‌شوند چون به هر حال شورای نظارت و ارزشیابی تجربه بیشتری در ممیزی نمایشنامه‌های خارجی دارد اما بررسی متون ایرانی، حساسیت بیشتری لازم دارد. شاید تنها خبر خوش شاه‌آبادی برای خانواده تئاتر این بود که اعمال قانون سقف بودجه برای سالن‌های تئاتری کاری غیرقانونی است و قرارداد تیپ لازم‌الاجرا است.

خواب‌های جدید شورای نظارت برای تئاتر

هنوز هنرمندان تئاتر درگیر مساله تعیین سقف بودجه برای سالن‌های نمایشی بودند که ناگهان مشکل دیگری بر سر راه خود دیدند؛ ضرورت ارائه نمایشنامه کامل برای گرفتن سالن تمرین؛ خواب جدیدی که بسیاری از تئاتری‌ها تعبیر بدی برایش پیش‌بینی کردند. حالا دیگر هنرمندانی مانند حسین کیانی، کوروش نریمانی، محمد یعقوبی و... می‌دانستند که بدون ارائه متن کامل نمایشنامه‌شان نمی‌توانند سالن تمرین بگیرند و این در حالی بود که این هنرمندان در کنار تعداد دیگری از گروه‌ها پس از تصویب طرح اولیه نمایشنامه‌شان نگارش شکل نهایی متن را در پروسه تمرین گروهی انجام می‌دادند اما ناگهان با این قانون جدید روبه‌رو شدند: اگر نمایشنامه کامل‌تان را ندهید، سالن تمرین بی‌سالن تمرین.

مسلماً این موضوع واکنش‌هایی در پی داشت و اینچنین بود که معاون هنری در دیدارش با هیات‌مدیره خانه تئاتر گفت باید برای این موضوع فکری شود. او البته نگفت چه فکری و آنچه در عمل دیدیم نشان داد هنوز برای مساله فکری نشده است.

ماجرا تنها به این قانون خلاصه نشد که شورای نظارت و ارزشیابی به خوبی نشان داد «هر دم از این باغ بری می‌رسد» و حالا نوبت ممیزی واژه‌ها بود. بیان واژگانی مانند «عدالت» و «اقتصاد» ممنوع اعلام شد و همایون غنی‌زاده کارگردان نمایش «کالیگولا» دریافت برای ادامه اجرای نمایش‌اش باید صحنه تئاتر را از «عدالت» و «اقتصاد» خالی بگذارد. اما شورای نامبرده که استاد غافلگیری است با صدور مجوزهای معدود برای اجرای این نمایش همه را شوکه کرد. رئیس شورا هم بدون هرگونه تعارفی گفت مجوز اجرای نمایش‌ها بر اساس اعتماد به گروه‌های تئاتری صادر می‌شود. ممکن است مجوز اجرای یک نمایش برای ۳۰ اجرا معتبر باشد و احتمال دارد نمایشی دیگر برای یک شب مجوز اجرا بگیرد. سیدصادق موسوی با بیان این نکات ثابت کرد دیوار بی‌اعتمادی شورای نظارت و ارزشیابی به هنرمندان همچنان در حال بالا رفتن است تا با گم شدن حلقه اعتماد، دیگر هیچ چیزی برای پیکر کم‌جان تئاتر باقی نماند.

استعفایی که پذیرفته شد

سرانجام پس از مدتی کش و قوس، محمد حیدری تئاتر شهر را ترک کرد تا این مجموعه که تنها مجموعه نمایشی کشور ما است باز هم بلاتکلیف‌تر شود. حیدری از سال گذشته لب به اعتراض گشوده بود و از نداشتن استقلال کافی گله‌مندبود. اما بهار امسال بود که مدیر تئاتر شهر بعد از ناکامی طرح‌های پیشنهادی‌اش و درست در زمانی که معاون هنری اعلام کرد سیاست‌های جدیدش را از مهرماه امسال آغاز می‌کند، حیدری عزم خود را برای رفتن جزم کرد. در شرایطی که شایعات حاکی از پذیرش این استعفا بود، مدیر اداره کل هنرهای نمایشی از استعفای مدیر زیرمجموعه خود اظهار بی‌اطلاعی کرد اما به این مساله هم اشاره کرد که دو مسوولیت همزمان حیدری در سمت مدیریت تئاتر شهر و دبیری بیست و نهمین جشنواره تئاتر فجر ممکن است نیازمند زمان بیشتری باشد و اگر حیدری به صورت کتبی استعفا دهد در آن تامل خواهد کرد. هنوز چند ساعتی از انتشار این خبر بر خروجی ایسنا نگذشته بود که مدیر اداره کل هنرهای نمایشی در گفت‌وگویی با مهر اعلام کرد استعفای حیدری را نپذیرفته است.

مدتی ماجرا مسکوت ماند اما حیدری که دیگر علاقه چندانی به حفظ صندلی مدیریت نداشت، بار دیگر مساله استعفا را پیش کشید و پارسایی این بار پذیرفت. گرچه نام فریدون علی‌یاری مردی که طراحی صحنه می‌کند و مدتی هم رئیس دپارتمان نمایش دانشکده هنرهای زیبا بوده به عنوان جانشین احتمالی حیدری بر زبان‌ها افتاد هنوز هیچ‌گونه حکم و خبر رسمی در این زمینه منتشر نشده تا اصلی‌ترین مکان اجرای نمایش‌ها در ایران روزهای بیشتری بی‌رئیس و بی‌سرپرست باشد تا هنرمندان بیشتری لب به اعتراض باز کنند که تکلیف قول و قرارشان با مدیر قبلی چه می‌شود. آیا براساس آن قرارها می‌توانند با عوامل مورد نظر خود سخن بگویند یا در این شرایط که کسی پاسخگو نیست بهتر است تعهدی را برای خودپیچاه‌نکنند

حیدری در گفت و گوهای غیررسمی گفته است همین بلاتکلیفی‌ها او را به ترک تئاتر شهر ترغیب کرده است. با رفتن حیدری همچنان به شمار صندلی‌های خالی زیرمجموعه اداره کل هنرهای نمایشی افزوده می‌شود. پس از جابه‌جایی‌های عجیب در دفاتر زیرمجموعه اداره کل هنرهای نمایشی، صندلی خالی مدیر تئاتر شهر هم به صندلی‌های خالی دبیر دفتر تئاتر خیابانی و مدیر بخش انتشارات و پژوهش اضافه شد.

نکته

-اجرای قوانین جدید شورای نظارت و ارزشیابی، تغییر سیستم پرداخت یارانه به تئاتر، پذیرش استعفای محمد حیدری از مدیریت تئاتر شهر، حذف رشته تئاتر از تنها هنرستان دولتی تهران و... از جمله رویدادهایی بود که در آخرین ماه بهار، خواب بهاری تئاتر را برآشفت.
-هنوز هنرمندان تئاتر درگیر مساله تعیین سقف بودجه برای سالن‌های نمایشی بودند که ناگهان مشکل دیگری بر سر راه خود دیدند؛ ضرورت ارائه نمایشنامه کامل برای گرفتن سالن تمرین؛ خواب جدیدی که بسیاری از تئاتری‌ها تعبیر بدی برایش پیش‌بینی کردند.

پارسایی؛ مردد میان ماندن و رفتن

حسین پارسایی در آخرین روزهای خرداد دیگر اطمینان چندانی به ماندن خود در صندلی مدیریت اداره کل هنرهای نمایشی ندارد. دی‌ماه سال گذشته و در نشست خبری بیست‌وهشتمین جشنواره تئاتر فجر بود که پارسایی با قاطعیت گفت:«پس از جشنواره می‌روم به منزل.» اما این سخن چندان جدی گرفته نشد چراکه مدیر اداره کل هنرهای نمایشی پیش از این هم بارها دم از رفتن زده بود اما هر بار خلاف این سخن را نشان داده بود. گرچه فروردین‌ماه امسال هم پارسایی و هم بچه‌های تئاتری تصور می‌کردند مدیر فعلی اداره کل هنرهای نمایشی همچنان در جایگاه خود باقی است و حتی در این میان شایعه ابقای حکم مدیریتی پارسایی شنیده می‌شد اما تنها دو ماه بعد این واقعیت آشکار شد که برای پارسایی هیچ حکم ابقایی امضا نشده است تا این مدیر هم همپای هنرمندان منتظر صدور حکم جدید باشد. حالا دیگر تئاتری‌ها می‌دانند شایعه مدیریت رحمت امینی هم بی‌اساس است.

هر چند حمید شاه‌آبادی چندین بار از ارائه اطلاعاتی درباره ابقای مدیران زیرمجموعه خود طفره رفت و بارها اعلام کرد با مدیرانش کاملاً هماهنگ است اما با رفتن حیدری بار دیگر شایعه رفتن پارسایی هم قوت گرفت. پارسایی برخلاف حیدری استعفایی ارائه نکرده است تا معاون هنری خود شخصاً در این باره تصمیم‌گیری کند. او پس از انتشار اخباری مبنی بر رفتن قطعی‌اش از اداره کل هنرهای نمایشی خبری را مبنی بر حمایت این اداره از فعالیت‌های دانشگاهی و خانه تئاتر دانشگاهی منتشر کرد؛ اقدامی که یادآور تصویب قرارداد تیپ در روزهایی از سال گذشته بود که بار دیگر شایعه رفتن پارسایی بر زبان‌ها افتاده بود؛ اقدامی که پارسایی آن زمان به عنوان باقیات الصالحات دوره مدیریتش از آن نام برده بود هر چند پس از اطمینان نسبی از باقی ماندن در اداره کل هنرهای نمایشی این باقیات‌الصالحات چندان هم جدی گرفته نشد! حالا با بالا گرفتن این شایعه، پارسایی از امضای تفاهمنامه با خانه تئاتر دانشگاهی و حمایت از این تشکل دانشگاهی خبر داده است.

قطع برق و تداوم اجرا

محمود احمدی‌نژاد روز سوم خردادماه و همزمان با سالروز آزادسازی خرمشهر در شرایطی به تماشای نمایش «ستاره، تشنگی، خاک» نشست که نیما دهقان و حمیدرضا آذرنگ، فرسنگ‌ها دورتر از تالار وحدت، از اجرای نمایش «خنکای ختم خاطره» در خرمشهر و آبادان بازماندند. قرار بود این نمایش در بخش مهمان جشنواره تئاتر مقاومت چند اجرا داشته باشد اما در نیمه‌های شب دوم اجرا بود که برق سالن قطع شد اما تماشاگران با روشن کردن موبایل‌هایشان، نوری رویایی به سالن تاباندند تا حمیدرضا آذرنگ بتواند اپیزود ارمنی را به طور کامل بازی کند. آنچه در این میان جالب توجه بود اظهارنظرهای متناقض مدیر اداره کل ارشاد خوزستان بود که در گفت‌وگو با خبرگزاری‌های گوناگون، دلایل متفاوتی را برای توقف اجرای این نمایش عنوان کرد. او از یک سو قطع برق سالن را تعمدی ندانست و گفت سالن مشکل فنی داشته که این مشکل برطرف می‌شود و از سوی دیگر در گفت‌وگوی دیگری کم بودن تماشاگران را دلیل توقف اجرای این نمایش عنوان کرده بود. به هر حال هر چه بود اجرای این نمایش ناکام ماند اما دبیر جشنواره تئاتر مقاومت در مراسم اختتامیه این جشنواره از گروه اجرایی این نمایش تقدیر ویژه‌ای کرد تا جشنواره مقاومت در حد توان خود از این گروه دلجویی کرده باشد.

محمد جمال‌پور که کوته‌فکری‌ها و تنگ‌نظری‌ها را دلیل اصلی توقف اجرای این نمایش دانسته بود، بعد از مراسم اختتامیه استعفای خود را اعلام و تلفن همراهش را هم خاموش کرد.

جای خالی تئاتر در تنها هنرستان دولتی

«رشته تئاتر از هنرستان کمال‌الملک حذف شد». این تیتر یادداشت حمیدرضا ری‌شهری کارشناس و مدرس تنها هنرستان دولتی بود که بر خروجی ایسنا قرار گرفت. ری‌شهری در نوشتار خود نوشته است: بنابر آخرین اطلاعیه دفتر فنی و حرفه‌ای و کار و دانش وزارت آموزش و پرورش، رشته تئاتر در تنها هنرستان دولتی پایتخت -کمال‌الملک- برچیده می‌شود. کشاکش چندساله میان دفتر فنی و حرفه‌ای و هنرستان کمال‌الملک با ابلاغیه شماره ۴۱۰/۵۳۲۰۶- که خواستار عدم ثبت‌نام هنرجویان داوطلب رشته نمایش از سوی هنرستان شده است- به سرانجام رسید. به دنبال عدم پیروی وزارت آموزش و پروش شهر تهران، سازمان فنی و حرفه‌ای آموزش و پرورش منطقه یک و هنرستان کمال‌الملک، در این نامه تاکید شده است در صورت عدم پیروی مجدد از دستور، آن دفتر - فنی و حرفه‌ای - از دادن کد رشته نمایش به هنرستان کمال‌الملک امتناع خواهد ورزید.

از سوی دیگر دفتر تالیف وزارت آموزش و پرورش اعلام می‌کند تهیه و چاپ کتاب‌های رشته تئاتر هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای در شرف اتمام و تحویل است اما هنوز جوهر امضای تفاهمنامه مدیریت تئاتر و تئاتر عروسکی کانون پرورش فکری و وزارت آموزش و پرورش جهت همکاری و تولید خشک نشده است. بنیاد این تفاهمنامه بر همکاری هنرستان کمال‌الملک و رشته تئاتر آن است. بر اساس آنچه نویسنده کتاب «کارگاه نمایش» نوشته است سناریوی حذف و برچیدن شدن رشته تئاتر در تنها هنرستان دولتی پایتخت دقیقاً پس از تحویل هنرستان از سوی صدا و سیما به آموزش و پرورش کلید خورد؛ هنرستانی که صدا و سیما نامگذاری شده و با شعار تربیت هنرجویان جهت ورود به سازمان صدا و سیما و سایر میدانگاه‌های نمایشی پا به عرصه تعلیم و تربیت گذاشته بود، با تغییر نام به کمال‌الملک رویکرد و آینده آموزشی خود را نشان داد. از آن پس تعداد رشته‌های نمایشی - پشتیبانی صحنه - و کلاس‌های نمایش آن کاسته شد. این روند با ورود رشته معماری به هنرستان کمال‌الملک و محدود شدن تئاتر به یک کلاس شدت یافت.

صیغه‌ای جدید به نام تهیه‌کننده تئاتر

هنوز هنرمندان تئاتر در گرماگرم بحث تغییر قوانین شورای نظارت و ارزشیابی بودند که ناگهان معاون امور هنری مبحث جدیدی به نام تهیه‌کنندگی تئاتر را مطرح کرد. حمید شاه‌آبادی البته جزییات خاصی را عنوان نکرد اما گفت افراد علاقه‌مند می‌توانند خود را به عنوان تهیه‌کننده تئاتر معرفی کنند. این افراد از یک سو با مرکز هنرهای نمایشی و از سوی دیگر با گروه‌های تئاتری، طرف قرارداد خواهند بود. هرچند آن زمان بحث رفتن پارسایی چندان قوت نگرفته بود اما این مدیر تئاتری هم ترجیح داد در این باره اعلام نظری نکند. در این میان خانه تئاتر هم از ماجرا بی‌خبر بود. بحث حضور تهیه‌کننده در تئاتر در شرایطی مطرح شده که نمایش «کالیگولا» که در مجموعه‌ای خصوصی اجرا می‌شود دچار انواع ممیزی‌ها شده و به گفته کارگردانش بخشی از بیلبوردهای تبلیغی‌اش در بزرگراه‌های تهران برچیده شده است. حال باید دید با این شرایط چه کسانی حاضرند به عنوان تهیه‌کننده خصوصی وارد آشفته بازار کار تئاتر شوند.

روزی روزگاری نمایشنامه

جایزه روزی روزگاری امسال با سر و صدای کمتری کار خود را پیگیری می‌کند. سال گذشته به دلیل شرایط اجتماعی کشور و از آنجا که مکان مناسبی برای برگزاری مراسم معرفی برگزیدگان این جایزه پیدا نمی‌شد برندگان جایزه روزی‌روزگاری مدت‌ها برای دریافت جایزه‌شان انتظار کشیدند. اما به نظر می‌رسد امسال این جایزه روند عادی خود را طی می‌کند. در حال حاضر مرحله نخست بررسی آثار ادبیات نمایشی این جایزه توسط کمیته فنی، مرکب از جلال تهرانی، آزاده شاهمیری و مهدی میرمحمدی انجام شده که در آن دو نمایشنامه «رقصی چنین...» نوشته محمد رضایی‌راد از نشر افراز و «سعادت لرزان، مردمان تیره‌روز» از علیرضا نادری از نشر قطره در بخش کتاب‌های چاپ شده سال ۸۸ و «اتاق صدا» نوشته رضا سرور و «خانه» نوشته نغمه ثمینی از میان متن‌های اجراشده در این سال به عنوان برگزیدگان مرحله اول انتخاب شده‌اند تا شورای داورانی مرکب از امیر احمدی‌آریان، فرشته احمدی، امیرحسین خورشیدفر، شهلا زرلکی، ارسلان فصیحی و لادن نیکنام اوایل تیرماه برگزیدگان نهایی را معرفی کنند.

آغاز تراژدی تابستان با پلمب تالار مولوی

با پلمب شدن تالار مولوی در آخرین ساعات روز ۳۱ خردادماه، تراژدی‌های خردادی تئاتر کامل شد. رهگذرانی که صبح روز اول تیرماه از خیابان ۱۶ آذر می‌گذشتند از پشت میله‌ها هم می‌توانستند نوارهای کاغذی باریکی را که بر در شیشه‌ای تالار مولوی نصب شده بود، ببینند. آنها البته از آن فاصله نمی‌توانستند جمله «این ساختمان پلمب است. برای اطلاعات بیشتر به انتظامات دانشگاه تهران مراجعه کنید» را بخوانند. رئیس انتظامات دانشگاه تهران البته علاقه‌ای نداشت تا دلایل این اقدام را اعلام کند. او تنها به بیان این نکته بسنده کرد که این تصمیم از سوی مقامات بالاتر گرفته شده است. در آغاز گفته شد موضوع به حجاب و پوشش برخی از مراجعه‌کنندگان مربوط می‌شود اما جهاد دانشگاهی و دانشگاه تهران، دو نهاد دخیل در این ماجرا، اندکی بعد ترجیح دادند تعارف را کنار بگذارند؛ ماجرا از اینجا آب می‌خورد که دانشگاه تهران می‌خواست خودش مدیریت و برنامه‌ریزی تالار مولوی را بر عهده بگیرد.

عصر روز اول تیر تعدادی از هنرمندان تئاتر در فضای باز باشگاه دانشجویان دانشگاه تهران گردهم آمدند. آنها هرگز اجازه نیافتند از سد نیروهای حراست بگذرند و با پایین رفتن از پله‌ها به ساختمان تالار مولوی نزدیک شوند. عصر روز چهارشنبه دوم تیرماه داوود رشیدی، تنها نماینده نسل هنرمندان پیشکسوت، تنها کسی بود که بعد از بیرون راندن هنرمندان از فضای باز باشگاه دانشجویان توانست با رئیس دانشگاه تهران گفت‌وگو کند. فرهاد رهبر در این گفت‌وگو که به خواهش و با پیگیری رشیدی انجام شد، قول داد تالار فک پلمب شود تا نمایش‌ها بتوانند اجرای خود را از سر گیرند. او البته هیچ توضیحی نداد که این پلمب چگونه برداشته خواهد شد. پلمب تالار مولوی روز پنجشنبه سوم تیرماه باز شد. کسانی از سوی دانشگاه تهران قفل‌های تالار را شکستند، قفل‌های تازه را جایگزین کردند و به نیروهای جهاد دانشگاهی اجازه ورود به سالن را ندادند. با اینکه آنها تجربه‌ای در زمینه مسائل فنی مربوط به تئاتر نداشتند، نور و صدای سالن را تنظیم کردند تا احمد ایرانی‌خواه و هایده حائری بتوانند دو نمایش راز ماهی‌های طلایی آکواریوم آقای ژان و بپا از اتوبوس جا نمونی را اجرا کنند. سعید نجفیان اما از خیر اجرای نمایش ماهی‌های خاک گذشت.

سرعت اتفاقات تالار مولوی آنقدر زیاد بود که حتی در روزهای تعطیل هم متوقف نشد. هنوز جامعه تئاتری در شوک این اتفاقات بود و هنوز هیچ دلیل روشن و کافی برای پلمب شدن تالار عنوان نشده بود که ناگهان مدیر جدید تالار مولوی معرفی شد. عصر روز شنبه پنجم تیرماه اخباری مبنی بر حضور مدیری جدید به نام سیدمحمد مطهری‌نژاد در تالار مولوی منتشر شد؛ نامی که برای جامعه تئاتری ناآشنا بود. البته گفته شد این فرد مدیر موقت تالار مولوی است و قرار است مدیر جدید این تالار به زودی معرفی شود اما از آنجا که تالار مولوی از این پس زیرمجموعه معاونت فرهنگی دانشگاه تهران است، فعلاً برنامه‌ریزی‌های این تالار توسط معاون آن، مطهری‌نژاد، انجام خواهد شد.

مسوولان دانشگاه تهران که به گفته رئیس جهاد دانشگاهی دانشگاه تهران ورودی غیرقانونی به تالار مولوی داشته‌اند، تاکید می‌کنند برنامه‌های مولوی که تنها تالار تعریف‌شده برای فعالیت‌های دانشگاهی است، به همان روال قبل ادامه خواهد داشت.

این اتفاق بار دیگر نگرانی‌های جدیدی را در جامعه تئاتری ایجاد کرد. به دنبال همین نگرانی‌هاست که بیش از ۲۰۰ هنرمند تئاتر از نسل‌های گوناگون با محکوم کردن این اقدام، خواستار رسیدگی به این وضعیت شدند؛ هنرمندانی که حال به جز هفت خوان نظارت و ممیزی و قرارداد و گیشه و... نگران تعطیلی سالن‌های تئاتر هم هستند. در این میان قشر دانشجو که تنها دلخوشی‌اش تالار مولوی است به آینده نامعلوم تالاری می‌اندیشد که تنها امکان تئاتر دانشگاهی به شمار می‌آید؛ تئاتری که به عنوان کانون تئاتر دانشگاهی شناخته می‌شود.

یادداشت

از تعطیلی تئاتر آسوده نباشید

حمید پورآذری

سخن از پلمب موقت یا شاید بعداً دائمی تالار مولوی نیست. سخن از پلمب تئاتر است. تئاتری که انگار باید به ضرورت نان شب باشد؛ اگر ضرورت آن را بدانیم. سخن من از رودررو قرار گرفتن دو نهاد نیست، سخن از زخمی است که تئاتر از این درگیری برمی‌دارد. سخن من از این است که چگونه یک نهاد دولتی به خود اجازه می‌دهد اجراهایی را در یک تالار رسمی تئاتر تعطیل کند. امروز حرمت تئاتر دستخوش بازی قدرت نهادهای دانشگاهی شده است. چه زمانی باید حرمت هنر و هنرمند حفظ شود؟ تا کی باید شاهد این گونه بی‌احترامی‌ها بود؟ و تا چه زمان قرار است کسی پاسخگوی رفتارهای خود نباشد؟ تا چه زمانی قرار است آرزوهای ما به واقعیت تبدیل نشود؟متولی تئاتر ما مرکز هنرهای نمایشی است. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بودجه این مرکز را تامین می‌کند و مسوولیت تهیه و نظارت بر تئاتر را بر عهده دارد. از طرفی این مسوولیت بر کلیت تئاتر مشمول شده است. تالار مولوی اما عهده‌دارش جهاد دانشگاهی است و تملکش برای دانشگاه تهران و وزارت علوم است. خب، کمی پیچیده شده و این بازی پیچیده رای متناقض به پلمب داده است. و امروز در پی پلمب موقت و شاید بعداً پلمب دائمی هیچ واکنشی را از طرف مرکز هنرهای نمایشی در پی نداشته است. درست مثل همان رفتاری که مرکز هنرهای نمایشی در مقابل تعطیلی تئاتر پارس داشت. امروز اما حرف از تعطیلی تالار مولوی است؛ تئاتری که معروفیتش به دانشگاهی بودنش است؛ به جریان‌ساز بودنش است و کشف استعدادش. از این تالار به سادگی نگذرید. آسوده نباشید و پرسش کنید که چرا درگیری دو نهاد دانشگاهی به جنگی زرگری ختم شده است.بیانیه چند روز گذشته هنرمندان تئاتر می‌خواست جواب همین سوال‌ها را بداند.

خبر

جمعی از اهالی فرهنگ و هنر خواستار شدند بررسی ابعاد غیرقانونی پلمب تالار مولوی

ایسنا: در پی پلمب دوروزه تالار مولوی که منجر به توقف اجرای سه نمایشی شد که در این تالار اجرا می‌شدند، جمعی از هنرمندان تئاتر با انتشار بیانیه‌ای خواستار رسیدگی به این مشکل و بررسی این اقدام غیرقانونی شدند. در این بیانیه که به امضای جمع کثیری از اهالی فرهنگ و هنر رسیده، آمده است: «پلمب چندروزه تالار مولوی (به دلیل اختلافات دو نهاد) خبر از رسیدن فجایع جدید به این عرصه دارد، که اگر در برابر آن واکنشی درخور ابراز نشود، دامنه آن به سایر فعالیت‌ها و فضاهای فرهنگی نیز تسری یافته و هر بار فرهنگ و هنر قربانی اقدامات سلیقه‌ای می‌شود. پرسش صریح و بی‌پرده ما دست‌اندرکاران عرصه فرهنگ و تئاتر این است که به موجب کدام قانون، بنا بر چه حقی و به دستور کدام نهاد یا شخصی این مکان فرهنگی پلمب شده بود؟ هر مکان فرهنگی به چندین هزار هنرمند، استاد دانشگاه، دانشجو و ده‌ها هزار تماشاگر تعلق دارد.آیا دلشوره امکانات محدود سالن‌ها، بودجه و هفت خوان ممیزی بس نبود که پلمب تالارها نیز به آن اضافه شد؟ در این فضایی که فعالیت‌های هنری بیش از پیش درگیر مصائب طاقت‌فرسا است، ما خواستار مصونیت تئاتر از مصلحت‌های سیاسی و غیرسیاسی هستیم. بنابراین امضاکنندگان ذیل خواهان بررسی هرچه سریع‌تر ابعاد غیرقانونی اقداماتی هستند که منجر به پلمب موقت تالار مولوی شده است تا به این طریق از بروز وقایع مشابه آتی جلوگیری شود. همچنین لازم است طرفین ضمن حل و فصل فوری نزاع‌های جاری، امور را به گونه‌ای پیش برند که منجر به از سرگیری روال طبیعی اجراها (با تمام ملزومات هنری و فنی) در تالار مولوی شود.»این بیانیه به امضای بیش از ۲۰۰ هنرمند تئاتر رسیده که می‌توان به نام‌هایی همچون حمید سمندریان، علی رفیعی، بهرام بیضایی، رضا کیانیان، محمود استادمحمد، مهدی هاشمی، گلاب آدینه، قطب‌الدین‌صادقی، آتیلا پسیانی، فاطمه نقوی، داود فتحعلی‌بیگی و... اشاره کرد.

تالار مولوی همیشه برای تئاتر خواهد ماند

مهر: سیدمجید مطهری‌نژاد مدیرکل امور فرهنگی دانشگاه تهران که به عنوان مدیر موقت تالار مولوی نیز معرفی شده است با تاکید بر اینکه تالار مولوی همچنان در خدمت تئاتر خواهد بود، گفت: «موضوع تالار مولوی فقط این است که یک تغییر مدیریتی برای این تالار اتفاق افتاده و مدیریت آن از ج